

# چرا جدی نمی گیریم؟

چند روز پیش کامنت یکی از تازه واردها را می خواندم که نوشته بود من یقین دارم که پول در تجارت است و تمام تاجران سوپر میلیاردر هستند اما واقعا نمی دانم چرا خودم هنوز نتوانسته ام تجارت را جدی بگیرم با اینکه یقینم به تجارت صد است.

من برای چند دقیقه ای به این سوالش فکر کردم و تنها یک جواب در ذهنم آمد.

شما هم اگر تازه واردید یا هنوز وارد نشده اید و یا از قدیمی های آراد هستید حتما این سوال در ذهنتان مطرح شده است که چرا در مقطعی از زمان نتوانستید تجارت را جدی بگیرید؟

آیا جوابی به ذهن شما رسیده است؟

من می دانم پول در تجارت است اما یک سوال مهم اینجا باقیست که آیا یقین دارم که من هم می توانم تاجر شوم؟

پول در تجارت است قبول اما آیا سهم من می شود؟

# مشکل در باور به تجارت نیست.

مشکل اکثر کسانی که نمی توانند تجارت را جدی بگیرند ربطی به باورشان نسبت به تجارت ندارد.

اینقدر فکت و دلیل درباره برتری تجارت بر سایر مشاغل و مزایای آن در کانال و سایت قرار دادیم که هر کسی با سطح پایین عقلی هم می تواند به این باور برسد که نه دهم ثروت در تجارت است و هیچ شغلی چه از نظر مالی و چه از نظر عقلی و چه از نظر شخصیت و جایگاه اجتماعی و نیز بسیاری از فاکتورها به گرد پای تجارت هم نمی رسد پس خیلی ذهنتان را درگیر باور به تجارت نکنید.

# مشکل در باور به آراد هم نیست.

شاید مشکل را در باور به آراد ببیند که آیا آراد تاجرساز است؟

آیا واقعا آراد می تواند تاجران را پرورش دهد؟

آراد که موفقیت بیش از هزار تاجرش را به صورت مستند فیلمی در کانال تلگرام، سایت، آپارات و یوتیوبش قرار داده است که هر کسی هم بخواهد بگوید این ها شو و نمایش است در دلش این سخن می آید که شو یکی دو تا سه تا ده تا نه هزار تا.

نه هر ماه مراسم و همایشی که این حجم گسترده از تاجران قدیمی در آن حاضر باشند و به آراد عشق بورزند.

تازه اگر فرض کنیم مشکل در باور با آراد باشد که نیست سوال اینجاست که تو آراد را باور نکردی چرا بدون آراد تجارت نمی کنی در حالیکه تجارت را باور کردی.

اصلا فرض می کنیم که شک و دو دلی ات که کاملا غلط هم هست درست باشد اما سخن نه دهم ثروت در تجارت است که حرف آراد نیست بلکه سخن رسول خداست پس بدون آراد تجارت کن و خودت را به جمع ثروتمندان ملحق کن.

اینجاست که می بینی نه گیر در تجارت است و نه در آراد.

# مشکل در خودباوریست.

مشکل اصلا اینها نیست.

مشکل در باور به خودم است.

من خودم را باور ندارم.

من باور نمی کنم که از شخصیتی شبیه به من تاجری حرفه ای ساخته شود.

نسبت به خودم شناخت هایی دارم و از سوی دیگر تصویری نسبت به تاجران در ذهنم نقش بسته است و وقتی این دو را کنار هم می گذارم تاجر شدن خودم را دور می بینم.

و دقیقا این ترفند شیطان است.

خداوند در کتابش می فرماید:

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا

آنها (کسانی که شیطان آن ها را ناامید کرده است) رسیدن به

خوشبختی را دور می بینند. سوره معارج آیه ۶

اما خداوند درباره مومنان و کسانی که به خدا توکل می کنند در آیه بعدی می فرماید:

وَنَرَاهُ قَرِيبًا

و ما نزدیک می بینیم.

## موفقیت دور است یا نزدیک؟

کسانی که خدا را باور دارند موفق شدن را نعمتی از ناحیه او حس می کنند پس هرگاه در مسیر درست که قرار می گیرند خودشان را عامل اصلی برای رشد نمی دانند بلکه پروردگارشان را دلیل اصلی می بینند.

اینها با خودشان می گویند خداوند بود که راه درست را نشانم داد پس همینکه راه را نشانم داد یقیناً اراده کرده که خوشبختم کند از اینرو با توکل بر او در راه تجارت که سنت پیامبر خداست گام بر می دارند.

اما خدا ناباوران چون فکر می کنند خودشان بودند که راه را پیدا کرده اند اینگونه می اندیشند که در ادامه هم باید خودشان موفق شوند و چون خود را لایق موفقیت نمی دانند باورشان نشده و از ثروت خود را دور می بینند.

پس من اگر بر این باورم که اصلی ترین دلیل برای موفق شدن خودم هستم چه بسا خودم را از تاجر شدن دور بینم و شروع هم نکنم اما اگر دلیل اصلی را خواست پروردگارم بینم با خودم می گویم خدایی که مرا به این راه رهنمون ساخت به راحتی توانایی تاجر کردنم را هم دارد.

## تصور غلط از مبدا و مقصد

همه کسانی که باورشان نمی شود تاجر شوند دو تصور کاملا غلط دارند که آنها را به این ضعف ذهنی رسانده است.  
تصور غلط اول اینکه مقصد را درست نمی شناسند.

مقصد همان تاجر شدن است و اینها تصوراتی نسبت به تاجران دارند که تاجران اینگونه و آنگونه هستند و وقتی ما که سال ها با تاجران حشر و نشر داشته ایم تصوراتشان را با تاجران تطبیق می دهیم می بینیم که اصلا تاجران آنطور که آنها تصور می کنند نیستند و اینها مقصد را اشتباه شناخته اند و همین شناخت اشتباه از مقصد موجب دور پنداشتن خودشان از آن می شود.

تصور غلط دوم اینست که اینها خودشان را هم درست نشاخته و در حقیقت در شناخت مبدا هم دچار اشتباهند.

خداوند استعدادها و توانایی های فوق العاده ای در ما انسان ها قرار داده که از آنها غافلیم و گمان می کنیم نمی توانیم اما اگر خودمان را می شناختیم در می یافتیم که به راحتی می شود.

پس دلیل این که فکر می کنم به نتیجه نمی رسم اینست که

۱. به خدا توکل نکرده ام.

۲. مشخصات تاجران واقعی را درست نمی شناسم.

۳. استعدادهای خودم را هم درست نشاخته ام.